

رندی وریاکاری دولت شیخ حسن

ای خردمند نگاه کن به ره از چشم خرد تابه بینی که براین امت نادان چه ریاست

امیرفیض- حقوقدان

برخی مسائل بظاهرچندان مهم نیست ولی علت طرح آن مهم است. تحریر حاضر ممکن است یکی از آن موارد باشد.

در رابطه با ریا تشبیهی در ادبیات ما هست که میگوید: «ریا مانند سکه ای است که یک روی آن شیطان و روی دیگر آن الله است، عامیان به روی الله آن نگاه میکنند و عالمان به روی شیطان آن» مقصود از تشبیه مزبور این است که عالمان وظیفه و تکلیف دارند که روی شیطان یعنی ماهیت ریا و عمل ریاکار را به عامه نشان بدهند زیرا اگر فصل ریا کاری فاش نشود بصورت بذری درمیآید که میروید وسایه می اندازد و بسیاری را بدور خود جمع میکند همین مورد است که اوحدی تکلیف مقابله با ریاکاران را چنین مقرر کرده است.

فاش کن حیلت بد اندیشان تا نگویند غافلی زیشان

شیخ حسن در مراسمی بتاريخ پنجم اردیبهشت سال جاری بار دیگر به زیر پرچم رندی وریا خزیده و مدعی شده که: «حکومت اسلامی یعنی حکومت قانون و همه باید در مقابل قانون متساوی باشند. پلیس موظف به اجرای قانون است نه اسلام. منکر اصلی در جامعه فقر، بیکاری، مواد مخدر، فساد و ریاست»

حد رندی وریا کاری

دریک بررسی اجمالی میتوان براحتی به این حقیقت رسید که در بین کسانی که به مقام حکومت در جمهوری اسلامی رسیده اند رند ترین وریا کارترین آنها همین شیخ حسن است؛ زیرا در گفتار او رندی و سخافت با ریا جفت شده است که معمولا چنین چیزی کاملا استثنائی است.

سخیف نمی فهمد که آنچه میگوید ناشی از کم فهمی و سخافت اوست، و رندی مانع است که به اهمیت اظهارات خود توجه کند؛ و برعکس ریا کار میفهمد که اهمیت ریا و مفهوم آن چیست که به آن متجلی میگردد.

یک نمونه از اظهارات شیخ حسن که مخلوطی از سخافت وریا کاری است در همین اظهارات مورد نقد، نمایان است مقصود آنجاست که میگوید: «حکومت اسلامی یعنی حکومت قانون» و بعد بلافاصله اضافه میکند که «پلیس موظف به اجرای قانون است نه اسلام»!

وقتی به ادعای شیخ، حکومت اسلامی یعنی حکومت قانون و پلیس هم به عبارت همان شیخ موظف به اجرای قانون است پس پلیس مکلف به اجرای اسلام هم هست، زیرا حکومت قانون و حکومت اسلام بنظر شیخ به یک معناست.

یکی از علائم سخافت و رندی حرف های بزرگ و گنده زدن است، چون سخیف درک معنا ندارد؛ نمیفهمد که قانون چیست و اسلام کدام است، سخیف نمیفهمد که اسلام حق قانونگزاری را برای مردم نمیشناسد. سخیف نمیفهمد که برابر ساختن قانون موضوعه با شرع اسلام، کفر و ارتداد است ولی رند همه اینها را میداند ولی هدفش از رندی آنقدر مهم است که مسئله دانستن و ندانستن را تحت الشعاع قرار میدهد.

ریا کاری حکم میکند که ریاکار، اصل حقوق بشر (همه انسان ها در مقابل قانون متساوی هستند) را با اصل عدم تساوی انسان ها در اسلام یکی اعلام کند و در عبارت «حکومت اسلامی یعنی قانون»، اصل عدم تساوی انسان ها را در حقوق اسلامی زیر پا بگذارد. این یکی از شقوق ریاکاری است که کسی رئیس قوه مجریه کشور اسلامی باشد و در عین حال تظاهر به برابری حقوق انسان ها در کشور اسلامی بنماید.

اوضاع و احوال نشان میدهد که شیخ حسن به تمام مراتب اظهارات خودش در تعارض با اسلام آگاه است ولی رندی که وسیله انتخابی اوست ایجاب میکند که به آن تعارضات اهمیت ندهد.

این قبیل اشخاص که سعی کرده و میکنند از اسلام قیافه اخلاق گرایانه دیگری از آنچه حقیقت اسلام دارد بسازند کم نبوده اند محمود محمد طه از دانشمندان الهیات سودان خیلی تلاش کرد اسلام را با نیازهای حقوقی قرن بیستم تلفیق بدهد، ولی مقامات اسلامی سودان او را به کفرگویی و ارتداد محکوم کردند و در سن ۷۶ سالگی به دار آویختند. در تاریخ اسلام در ایران هم نمونه و شواهد بسیاری هست.

شیخ حسن راه محمود محمد طه را برگزیده تا دولت خود را همانطور که آمریکایی ها درباره او قضاوت کرده اند، (تافته جدا بافته) راه فرجی برای جمهوری اسلامی دست و پا کند.

تحریم اسلامی

جمهوری اسلامی در تحریم کامل احکام قرآن و سنت است و این تحریم ۱۴۰۰ ساله اکنون بصورت حکم خدا بر ایران و ملت ایران حکومت کامل دارد و این تحریم اسلامی است که تمام جوامع اسلامی را عقب مانده و فقیر و وابسته اقتصادی ساخته است. رندی شیخ حسن در این امر خلاصه است که میخواهد تحریم اسلامی ایران را بشکند ولی در عین حال نفوذ معنوی اسلام و تشیع را همچنان حفظ کند. اظهارات مکرر شیخ حسن که با عدم رضایت و اعتراضاتی هم روبرو شده است در جهت تحقق همین استراتژی فرار از قید و بند و محاصره اسلامی است.

بر خورد مراجع

دیدم برخورد برخی از اخوند ها با اظهارات شیخ حسن درباره ممنوعیت دخالت پلیس در امر ونهی و مراتب اسلامی دیگر، بظاهر موازی با شرع بود ولی ریا کاری آنها را هم نمیتوان نادیده گرفت؛ مرجع تقلید در صورت برخورد با جریانی خلاف اسلام فتوا میدهد فتوا هم تعلیق و مشروط نیست، اظهارات شیخ حسن در مورد قانون و اسلام و اختیارات پلیس از آنجا که از یک مقام معتبر و رئیس اجرائی کشور است و بی اعتنائی

به آن، حکم تسری به حقانیت رباخود خواهد داشت، اظهار نظر مراجع متناسب با آنچه شیخ حسن گفته است نیست. سرنوشت محمود محمد طه در سودان و سلمان رشتی شایسته شیخ حسن در حکومت اسلامی است

نقدی بر ادعا های شیخ حسن

ربا در منکرات ✳

منکر به کاربندی که اسلام آنرا بد میداند اطلاق میشود. منکرات در اسلام قابل احصاء نیست و اگر هم باشد معمول نبوده است، اسلام در تمام زمینه های اخلاقی - اجتماعی - اقتصادی - خانوادگی - معاملات بازار - اعتقادات - دوستی - نظامی - فرهنگی و غیره منکرات دارد؛ و میتوان گفت که جامعه ای که گرفتار منکرات اسلامی باشد وجود عینی در جهان غیر اسلامی ندارد.

سمت این تحریر متوجه منکرات اسلامی حتی رایج آنها نیست و فقط به چیزهایی که شیخ حسن اشاره کرده نگاهی خواهد داشت زیرا آنچه درباره استراتژی شیخ حسن با صرف سرمایه رندی او عرض شد نیاز به گفتگوهای دارد.

منکر فقر!

فقر در اسلام جزء منکرات نیست فقر در اسلام در مفهوم فقر جاری است.

قرآن ۸ آیه در مدح فقرو جایگاه تقریبی فقرا نزد خدا دارد از جمله آیه ۶ سوره نساء است که حکم میدهد <اغنيا بايد بدهند به فقرا و فقرا بايد بخورند به خوبی>^۱

در سنت محمد از فقرو فقرا تجلیل بسیار شده و محمد فقر را امانتی دانسته که حق تعالی به خلق میسپارد امام صادق شیعیان گفته است <فقرا در باغ بهشت خواهند بود و تنعم خواهند کرد ۴۰ سال قبل از اغنیا مصیبت های دنیا عطایای حق تعالی است و فقر راحق تعالی برای مومن در خزانه خود ضبط فرموده است> هر قدر ایمان ادمی زیاد شود تنگی معیشت او زیاد تر میشود.

محمد خاتمی معروف به آیت الله از اعضای شورای نگهبان گفته است:

<بزرگترین کار انقلابی در زمینه اقتصاد، توزیع و تقسیم عادلانه فقر ریشه دار و گسترده در میان جامعه است. تلاش برای تقسیم رفاه بین مردم که نه چنین امری ممکن است و اگر هم باشد نه مفید است و نه مطلوب> کیهان هوانی ۱۱ شهریور ۱۳۶۰

همین قدر اشارات کافی است که ثابت شود فقر در اسلام از منکرات نیست بلکه فقرو فقرا مقرب خدا هستند. از امام رضا روایت است که گفته هر که به فقری سلام کند خدا در روز قیامت به او سلام خواهد کرد.

۱ - واژه «فقر» به چک مهره های پشت بدن چون بین آنها شکاف و فاصله است، و فقیر به کسی گفته می شود که ستون فقرات پشتش به وسیله ذلت و بیچارگی شکسته است. فقیر در نزد عرب به معنی محتاج است. ح-ک

همچنین روایت است که فقرا هرکس را که بخواهند شفاعت کرده وبدون حساب و کتاب به بهشت وارد میشود.

ثروت و ثروتمند مند بودن منکراست.

★ ثروت و رفاه

اگر فقردر اسلام منکر نیست برعکس ثروت و ثروتمندی منکراست و درتطبيق مورد شیخ حسن میخواید جامعه اسلامی ایران رابه سوی منکرسوق دهد یعنی همان منکراسلامی که بشریت سراسیمه به دنبال آن است.

قران یک قلم برای زندگانی حرمتی قائل نیست وکسانی را که به دنیا علاقمند و دلبستگی پیدا کنند به آتش جهنم و غضب خدا وعده داده است. آیه ۱۰ سوره اعراف

قرآن در آیه ۱۲ سوره عمران مزایای دنیا را که سبب دلبستگی مردم به آن میشود شمارش کرده و میگوید:

مشمتمل است برزن - فرزندان - مالهای زیاد وانبوه - نقره - اسبان - شتر و گاو گوسفند و زراعت.

تفسیر صادقین درباره آیه ۱۲ سوره عمران نوشته که <تعلقات دنیا از آن ۶ چیز که در آیه آمده بیرون نیست و از اخبار مستفاد میشود که شیطان است که زینت دهنده آنهاست >

در آیه ۱۹ سوره حدید آمده است که <زندگانی دنیوی لهُو است و زیست و تفاخر میانشان کثرت اموال و اولاد است >

در آیه ۱۲۶ ال عمران آمده که دنیا بمنزله قرارگاهی است که مردم در آنجا آزمایش میشوند و کسانی که به دنیا علاقمند باشند از رحمت خدا در میگردند و بعداب خدا گرفتار میشوند.

در آیه ۲۳ سوره یونس تمتع از زندگانی تعبیریه ستم شده و کسانی که در این دنیا به تمتعی میرسند ستمگر به خودشان خوانده شده اند.

در آیه سوره هود حساب مالداران را یک جار سیده و میگوید <کسانی که بخواهند زندگانی دنیا و زینت آنرا تمام به آنها خواهیم داد اما حساب خدا با آنها نیست مگر با آتش جهنم.

آیا میتوان تصور کرد که یک جامعه زیر لوای فقر گرایی ونهی از رفاه و ثروتمندی و کار بتواند ادامه حیات دهد مسلما خیر زیرا برخلاف طبیعت انسان در حرکت است. در این صورت فصل مهم مبارزه علیه جمهوری اسلامی سد حرکت جمهوری اسلامی در جهت رفاه و امنیت و ثروتمند شدن مردم است که دقیقاً ناظر بر توصیه قرآن است.

مقصود این نیست که رفاه و ثروت شایسته ملت نیست بلکه مقصود این است که این شایستگی باید از ناحیه ملت تامین شود نه حکومتی که حاکمیت را از آن ملت نمیداند و پیرو فلسفه اسلامی فقر فراگیر و مجازات ثروتمندان و مستدعیان رفاه اجتماعی هستند.

منکر دوم – مستشار و کدخدائی بیگانگان

منکردوم توسل به بیگانگان (کفار) است که قرآن در آیات متعددی از جمله آل عمران ۱۱۸ در کمال صراحت میگوید بیگانگان را مستشار خود قرار ندهید یعنی آمریکائی ها را کدخدا برای مسلمانان نسازید.^۲ و نگویند چاره ای جز تعامل با دنیای امروز نیست < (شیخ حسن) او میداند که این حرفها تغطی کردن به حکم خداست ولی رندی برای شکستن تحریم هائی که قرآن مقرر کرده و از جمله تعامل و کنار آمدن با بیگانگان از اسباب مسلم و لازم برای فرار از تحریم و محاصره اسلام است.

منکر سوم ریاست

که جمهوری اسلامی بطور قانونی و رسمی ۲۲ درصد بهره به مسلمانان میپردازد و به وامی که از بانکهای بیگانه گرفته ۷/۵ درصد بهره میدهد یعنی سه برابر بهره رسمی بانک جهانی. همه مفسرین اسلامی ربا را عامل فساد و گناه کبیره میدانند و در هیچ کشور اسلامی رواج بهره و ربا همانند جمهوری اسلامی آزاد و رسمی نیست.

تعامل با بیگانگان قبول اصول و سنت های جاری بین آنهاست که مفروض ترین آن سنت ها همین بهره است که اسلام آنرا ام الفساد و غرب آنرا کلید اقتصادی میداند.

غرض از تنظیم این تحریر این دو کلمه است

نسخه رهائی

اسلامی ها برای نجات اسلام، تلاش دارند که به قرائتهای غیر معمول از اسلام متشبث شوند و در عبارات آشنا راه و قدم محمد (سنت محمد) و قرآن را با تجدد و سیستمهای حاکم بر مردم جهان همساز سازند. نغمه هائی که از شیخ حسن و سید علی درباره ملی گرایی و ایران و آزادی و زدودن فقر و ایجاد کارر فاه و قانون شنیده میشود همان زوزه هائی است که برای نجات اسلام به آن توسل جسته اند.

نسخه رهائی مردم از نکبت اسلام یکی این است که ناسیونالیست ها نگذارند حکومت ایران و یا مردم آن بر روی اسلام پل ترقی و دمکراسی و سازندگی و امثال اینها بزنند؛ باید تلاش کرد که حکومت اسلامی در همان جای پای محمد که رهبرشان مدعی شد و به تاسی از علی تازی گفت اقتصاد مال خراست؛ حرکت کند و از آنجا که در دنیای امروز نمیتوان به صیغه ۱۴۰۰ سال قبل عمل کرد و راه رفت، زمین خوردن و بلند نشدن حکومت های اسلامی حتمی است و در این حتمیت نه نیاز به جنگ و خونریزی است و نه اقدام غیر دمکراتیکی.

^۲ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگتر است در حقیقت ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید (۱۱۸) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُوَنكُمْ خَبَالًا وُدًّا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
ح-ک

انتخابات آزاد، آزادی ودمکراسی و رعایت حقوق بشرزمینه سازی برای عبورجمهوری اسلامی از تحریم های اسلامی و ورود به سیطره حقوق کشورهای آزاد جهان است بدون اینکه جمهوری اسلامی از ماهیت دینی بودن دست بکشد ولذا مبارزه برای آزادی وحقوق بشروانتخابات آزاد به اجرای استراتژی تسلط جمهوری اسلامی برحقوق متعلق به کشورهای آزاد جهان واستفاده نامشروع از آن کمک خواهد کرد.

تمام وسائل ومظاهری که امروز مورد استفاده کشورهای اسلامی است از مظاهر کفر است که اسلام اجازه استفاده از آنرا نمیدهد، عضویت در نهاد های بین المللی عمل اسلامی نیست. قبول منشورهای بین المللی که مستشاری وامریت فکری بیگانگان رابرمسلمانان تحمیل میکند عمل خلاف اسلام است. وام گرفتن از کشورهای کفرویا بانک های بین المللی عمل اسلامی تلقی نمیشود ورباست؛ مذاکره با ۱+۵ و در نهایت موافقت نامه ذلت بارژنو دقیقا خلاف اسلام است.

مجسم بفرمائید اگرقائمه ممنوعیت اسلامی براعمال حکومت اسلامی ایران فرود آید این فرود چه چیزی از جمهوری اسلامی واساسا اسلام باقی خواهد گذارد؟ واگر کشورهای اروپائی شرط روابط سیاسی و تجاری را تطبیق قانون اساسی کشورهای اسلامی با موازین حقوق بشرومنشور سازمان ملل بدانند کشورهای اسلامی ناچار میشوند که درخط انزاوی کامل یعنی همان جای پای محمد درجا بزنند ویا بصورت یک کشوربا جدائی کامل دین ازحکومت وسیاست وهماهنگی بادنیای آزاد حرکت کنند.

یک مثال برای دیر فراموشی کردن بحاست

یک توده هیزم وقتی آتش گرفت کم کم میسوزد وخاکستر میشود وبعدازمدتی هم اثری از آن باقی نخواهد ماند اما اگریک کنده از آن توده هیزم بهر دلیل جدانشد ودرکنار آتش ماند البته که خاکستر نمیشود ولی کاملا خشک میماند تا با اولین جرقه یک حکومت اسلامی دیگری برملت تحمیل بشود؛ باید نگذاشت که حتی پاره ای ازکل جمهوری اسلامی، وزن اسلامی خودش را از دست بدهد وهمانطور درتاروپود احکام اسلامی بدورخود به چرخد دراینصورت تحولات جهانی وخواستهای ملت ها که رفاه وپیشرفت وآزادی است همچون طوفانی اسلام رابه گوشه ای همانند خاکروبه جمع و آماده بریاد رفتن میسازد.